

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

تاملاتی در باب
استاد ارداز منظر اسلام

به اهتمام
گروه مطالعات مدیریت
مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق علیه السلام

ویراستار علمی
دکتر روح الله رازینی
عضو هیأت علمی و استادیار دانشکده مدیریت دانشگاه امام صادق علیه السلام

فهرست مطالب

سخن ناشر.....	۱۱
دیباچه	۱۳
فصل ۱. چارچوب روش‌شناختی بررسی استاندارد از منظر اسلامی.....	۲۹
محمد عالم خواه/ میثم اطینی	
مقدمه.....	۲۹
۱. ادبیات موضوع استاندارد.....	۳۲
۱-۱. تقدم فهم مسأله بر روشن حل مسأله.....	۳۲
۲-۱. مفهوم و تعریف استاندارد.....	۳۴
۳-۱. تاریخچه استاندارد.....	۳۵
۴-۱. فلسفه و ضرورت استانداردسازی	۳۶
۵-۱. اهداف کلی استانداردسازی	۳۷
۶-۱. اصول استاندارد.....	۳۸
۷-۱. گام‌های استقرار استاندارد.....	۳۹
۸-۱. معایب ناشی از استاندارد کردن.....	۴۰
۲. دلالت‌های هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی اسلامی در حل مسائل	۴۰
۳. الگوهای حل مسأله در سنت اندیشمندان اسلامی	۴۴
۳-۱. چارچوب‌های متولّ به اختبار و تجربه	۴۴
۳-۲. چارچوب‌های عقلی.....	۴۷
۳-۲-۱. چارچوب‌های متولّ به منطق	۴۷

۶ □ تأملاتی در باب استاندارد از منظر اسلام

۴۹.....	۲-۲-۳. چارچوب‌های متولّس به فلسفه.....
۵۲.....	۳-۳. چارچوب‌های نقلی.....
۵۳.....	۱-۳-۳. چارچوب‌های متولّس به قرآن کریم.....
۵۶.....	۲-۳-۳. چارچوب‌های متولّس به روایت.....
۶۱.....	۳-۳-۳. چارچوب‌های متولّس به تاریخ و تمدن اسلامی.....
۶۲.....	۴-۳. چارچوب‌های متولّس به فقه و اجتهاد.....
۶۷.....	جمع‌بندی.....
۷۱.....	منابع.....
۷۳.....	پی‌نوشت‌ها.....
۷۵.....	فصل ۲. استاندارد تکاملی؛ نگاهی به گستره مفهوم استاندارد در اسلام
	هادی خازن‌محمدی / حسین‌اصلی پور / مجید خازن‌محمدی
۷۵.....	مقدمه.....
۷۷.....	۱. ادبیات موضوع استاندارد.....
۷۷.....	۱-۱. تعریف استاندارد.....
۸۱.....	۱-۲. طبقه‌بندی بولدینگ: الگویی برای طبقه‌بندی موضوعات استاندارد.....
۸۴.....	۲. تحلیلی بر مبانی و گستره استاندارد در اسلام.....
۸۵.....	۳. مراتب ایمان و مراتب وجود؛ مبنای استاندارد تکاملی.....
۸۶.....	۳-۱. مرتب ایمان از منظر اسلام.....
۸۷.....	۳-۱-۱. مرتبه اول: اسلام- مسلمان.....
۸۸.....	۳-۱-۲. مرتبه دوم: ایمان- مؤمن.....
۸۹.....	۳-۱-۳. مرتبه سوم: تقوی- متّقی.....
۹۰.....	۳-۱-۴. مرتبه چهارم: یقین- موّن.....
۹۲.....	۳-۲. مراتب وجود از منظر اسلام.....
۹۲.....	۳-۲-۱. طبقه‌بندی اول از مراتب وجود.....
۹۵.....	۳-۲-۲. طبقه‌بندی دوم از مراتب وجود.....
۹۷.....	۴. مفهوم استاندارد تکاملی اسلام در سایه مراتب وجود و ایمان.....

فهرست مطالب ۷

۹۸.....	جمع‌بندی
۱۰۰.....	منابع
۱۰۲.....	پی‌نوشت‌ها
فصل ۳ مفهوم پردازی استاندارد، گذاری و حیانی و عقلانی از قهر و قسر به تسخیر در بستر سیر تطور مفهوم و مطالعه تطبیقی.....	۱۰۵
دبهای عبدالحمید / حسین بابایی مجرد	
۱۰۵.....	مقدمه
۱۰۷.....	۱. تاریخچه استاندارد در جهان
۱۱۱.....	۲. تعاریف استاندارد
۱۱۳.....	۳. استاندارد در کشورهای اسلامی
۱۱۴.....	۱-۳. جمهوری اسلامی ایران
۱۱۶.....	۲-۳. مالزی
۱۲۱.....	۳-۳. ترکیه
۱۲۲.....	۴. لزوم اتخاذ رویکرد فوق فعال در قبال روندهای جهانی استاندارد
۱۲۵.....	۵. چگونگی اصطیاد مفهوم استاندارد از قرآن کریم
۱۲۵.....	۱-۵. اکل در قرآن، به مفهوم تصرف همراه با بهره‌وری
۱۲۷.....	۲-۵. استاندارد تصرف، عمل به مقتضای تسخیر جهان امکانی
۱۲۷.....	۱-۲-۵. فرق قسر و قهر با تسخیر
۱۲۸.....	۲-۲-۵. حدود و شغور تسخیر جهان امکانی توسط انسان
۱۲۹.....	۱۲۹. ۳-۲-۵. ربط عمل با جهان خارج
۱۳۰.....	۳-۵. استاندارد تصرف در اسلام
۱۳۰.....	۱-۳-۵. آیات تصرف در قرآن کریم
۱۳۹.....	۲-۳-۵. مفاد مستخرج آیات
۱۴۱.....	۳-۳-۵. مدل استاندارد در اسلام
۱۴۴.....	جمع‌بندی
۱۴۶.....	منابع
۱۴۸.....	پی‌نوشت‌ها

۸ تأملاتی در باب استاندارد از منظر اسلام

۱۴۹.....	فصل ۴. فقه و استاندارد
	دکتر عباس کاظمی نجف‌آبادی
۱۴۹.....	مقدمه
۱۵۱.....	۱. ایجاد نظم و یکسان‌سازی در فقه
۱۵۱.....	۱-۱. اهمیت اندازه‌ها و مقادیر در اسلام
۱۵۲.....	۱-۲. جایگاه مقادیر و اندازه‌ها در فقه
۱۵۵.....	۱-۳-۱. مقادیر و اندازه‌ها در فقه
۱۵۵.....	۱-۳-۲. واحد پول
۱۵۷.....	۱-۳-۳. واحد طول و مسافت
۱۵۸.....	۱-۳-۴. واحد وزن
۱۵۸.....	۲. حداقل‌های کیفیت و مطلوبیت در فقه
۱۵۹.....	۲-۱. کیفیت محصول (کالا و خدمت)
۱۵۹.....	۲-۱-۱. کیفیت کار و خدمت در اسلام
۱۶۰.....	۲-۱-۲. کیفیت کار یا کالا در متون فقهی
۱۶۱.....	۲-۱-۳. فرد اوسط
۱۶۱.....	۲-۲-۱-۱. معلوم بودن کیفیت کالا، شرط بیع
۱۶۲.....	۲-۲-۱-۲. ضمانت اجرا برای کالا یا کار بی کیفیت
۱۶۵.....	۲-۲-۲. رعایت و حفظ ایمنی
۱۶۵.....	۲-۲-۲-۱. اهمیت ایمنی در اسلام
۱۶۷.....	۲-۲-۲-۲. جایگاه حفظ ایمنی در فقه
۱۶۷.....	۲-۲-۲-۲-۱. ایمنی در جامعه
۱۶۸.....	۲-۲-۲-۲. حفظ ایمنی و سلامت نفس
۱۷۰.....	۲-۲-۲-۳. لروم جبران خسارت
۱۷۰.....	۳-۱. رعایت بهداشت و سلامت
۱۷۰.....	۳-۱-۱. اهمیت بهداشت و سلامت در اسلام
۱۷۲.....	۳-۱-۲. جایگاه بهداشت در فقه
۱۷۳.....	۴-۱. حفاظت از محیط زیست

فهرست مطالب ۹

۱۷۳.....	۱-۴. اهمیت محیط زیست در اسلام.....
۱۷۴.....	۲-۴. جایگاه محیط زیست در فقه.....
۱۷۵.....	جمع‌بندی.....
۱۷۷.....	منابع.....
۱۷۹.....	پی‌نوشت‌ها.....
۱۸۱.....	فصل ۵. استانداردسازی گامی در جهت تحقق عدالت اجتماعی
	دکتر سید علی علوی
۱۸۱.....	مقدمه.....
۱۸۴.....	۱. عدالت مبنایی مستحکم برای استانداردسازی در فرهنگ اسلامی
۱۸۶.....	۲. سابقه استانداردسازی در تمدن اسلامی.....
۱۸۶.....	۱-۲. واحدها و معیارهای سنجش در صدر اسلام.....
۱۹۰.....	۲-۲. استانداردسازی مسکوکات در صدر اسلام.....
۱۹۳.....	۳-۲. واحدها و معیارهای سنجش در ایران.....
۱۹۸.....	۳. امر به معروف و نهی از منکر، ضامن اجرای استانداردها
۲۰۰.....	۴. نظام اجرای استانداردها در تمدن اسلامی
۲۰۰.....	۱-۴. نظارت پیامبر اکرم ﷺ و امیرمؤمنان علیهم السلام بر بازار.....
۲۰۳.....	۲-۴. احتساب: ساختاری جهت نظارت بر استانداردها
۲۰۷.....	جمع‌بندی.....
۲۰۹.....	منابع.....
۲۱۱.....	پی‌نوشت‌ها.....
۲۱۷.....	چکیده فصول.....
۲۲۵.....	نمايه.....

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ أَتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَلَّنَا عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
(قرآن کریم، سوره میارگاه النمل، آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق علیه السلام که از سوی ریاست دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی ای متعدد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «ترکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهرمندی از نتایج آنهاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

۱۲ □ تأملاتی در باب استاندارد از منظر اسلام

دانشگاه امام صادق علیه السلام در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بینانگذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتكاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آنها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آنها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام

صادق علیه السلام را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (انشاء الله)

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

دیباچه

توسعه رقابت، جهانی شدن، تنوع محصولات اعم از کالا و خدمات، ارتفاع سطح آگاهی‌های عمومی و مجموعه تغییرات و تحولاتی از این دست، منجر شده است که مفهوم استاندارد همچون بسیاری مفاهیم دیگر، هم از جنبه مفهومی و هم از جنبه کاربردی توسعه یافته و دامنه گسترده‌تری از مسائل را به خود اختصاص دهد. از سوی دیگر، همین تحولات، زمینه نقد و بازخوانی این مفهوم و مبانی شکل‌گیری و دامنه کاربرد آن را فراهم ساخته است. امروزه دیگر استاندارد همچون سال‌های اولیه تولد خود صرفاً یک مفهوم فنی و ناظر به کیفیت کالا نیست. این مفهوم در عرصه‌های مختلفی همچون بهداشت، ایمنی، محیط زیست، بازرگانی و تجارت خارجی و حتی حوزه‌هایی همچون حقوق بشر و فرهنگ بصورت جدی مطرح شده است. طراحی و تدوین انواع استانداردها و قوانین و مقررات مربوط، پیدایش انواع سازمان‌های تخصصی در این حوزه در عرصه‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و مطرح شدن انواع مشوق‌ها و جوابیز مرتبط، از توسعه دامنه استاندارد در عرصه کاربردی حکایت دارد.

اما در کنار این تحولات، سوالات اساسی وجود دارد که همچنان محل بحث اندیشه‌ورزان و متفکران است و پاسخ‌های ارائه شده می‌تواند نقش

۱۴ □ تأملاتی در باب استاندارد از منظر اسلام

تعیین‌کننده‌ای در حوزه کاربردی استاندارد داشته باشد. اینکه مفهوم استاندارد چیست؟ استانداردسازی چه ضرورت و اهمیتی دارد؟ معايب و محدودیت‌های ناشی از استانداردسازی کدامند؟ با توجه به معايب و مزایای استانداردسازی دامنه و گستره کاربردی آن کجاست؟ کارکردها و اثرات فردی و اجتماعی استانداردسازی چیست؟ مبنای شکل‌گیری استانداردها چیست؟ رابطه فرهنگ و استاندارد چگونه است؟ و ... از جمله سؤالاتی هستند که در حوزه نظری مطرح شده و پاسخ‌های متفاوتی نیز به آنها داده شده است.

بر همین اساس، در این مجموعه به همت جمعی از پژوهشگران حوزه مدیریت اسلامی، تلاش شده است تا موضوع استاندارد و برخی مسائل مرتبط با آن به ویژه در حوزه نظر، با رویکرد اسلامی مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

اما پیش از پرداختن به مقالات، به عنوان مقدمات مشترک، در ادامه، نخست با اشاره اجمالی به چیستی و چرايی استاندارد، جایگاه و اهمیت موضوع در عرصه زندگی بشر مورد تأکید قرار می‌گيرد. در دومين مقدمه، امكان بررسی موضوعات علمی از منظر اسلامی در حد مجال اين نوشتار، بررسی می‌گردد. نهايتاً ضمن اشاره به منطق و چارچوب حاكم بر مقالات، ملاحظاتی چند در مورد اين مجموعه بيان شده است.

۱- چیستی و چرايی استاندارد

آنچه در اين بخش به عنوان يكى از مقدمات مورد نظر است، اشاره‌اي گذرا به هدف و سير شكل‌گيری استاندارد و استانداردسازی است و حوزه کاربردی و مصاديق استاندارد خارج از مجال و موضوع اين نوشتار است.

در يك تعريف ساده، استاندارد به معنى سطح قابل قبول جامعه برای پذيرش يك كالا يا خدمت است. در معنای عرفی، استاندارد به معنى تولید و عرضه محصول در حد مطلوب است. منظور از حد مطلوب، سطح قابل دسترسی با كمترین عيب و بالاترين حسن قابل تحقق، با قيمت مورد پسند

خریدار و در سطح حداقل بهره‌برداری ممکن از عوامل تولید است (چینی ۱۳۸۰: ۲۳).

مبناًی شکل‌گیری هر استانداردی را می‌توان چنین بیان داشت که وقتی یک فعالیت تکرار می‌شود، ساخت یک طرح تازه و صدور دستورالعمل‌های معین هر بار نمی‌تواند کارا باشد. اگر روشی مؤثر برای انجام یک فعالیت وجود داشته باشد، این روش باید در چارچوب یک سری از قواعد معین و مشخص وضع شود. چنانچه از این قوانین که برای انجام آن فعالیت خاص تدوین شده، استفاده شود، زمان فعالیت کاهش می‌یابد و به رفع خطاهای در روش انجام کار کمک می‌کند و ابعاد کیفی را با اطمینان بیشتری هدایت می‌کند. این نوع مقررات و قوانین، استاندارد نامیده می‌شود. به عبارتی استاندارد، نظمی است مبتنی بر نتایج علوم، فنون و تجربه بشری؛ استاندارد یعنی قانون، قاعده، اصل، ضابطه و به طور کلی هر امری که طبق اصول منظم و مرتبی انجام گیرد (کهنسال ۱۳۸۰: ۱۳۰).

کاربرد سیستماتیک استاندارد در صنعت، به دوران جدایی مصرف از تولید باز می‌گردد. یعنی دیگر تولیدکننده محصول، همان مصرف‌کننده آن نبود. در این دوران به هر میزان که استاندارد کالاهای دقیق‌تر بود و تطابق بیشتری با مشخصات مورد نیاز بازار داشت، از موقیت بیشتری برخوردار می‌شد. استاندارد کردن کالاهای با این هدف بسیار ساده انجام می‌شد که تا حد ممکن کالاهای از فرصت تطابق با نیازمندی‌های مشتریان بیشتری برخوردار شوند. در حقیقت در این دوران خاص استاندارد کردن، که مقارن با انقلاب صنعتی بود تمرکز کامل بر روی محصول و استاندارد آن از نظر مطابقت با معیارهای از پیش تعیین شده بود. هم زمان با ملموس شدن این نیازمندی برای تولیدکنندگانی که بازارهای داخلی کفاف حجم تولیدشان را نداشت، استاندارد ساختن ابزار تولید، توزیع و اندازه‌گیری و معیارهای خرید و فروش و پول، نیز ضرورت خود را نمایان ساخت. استانداردهایی که همزمان با انقلاب صنعتی توسعه یافتند، مانند دانش آن زمان که وابسته به

۱۶ □ تأملاتی در باب استاندارد از منظر اسلام

عمل بود، دقیقاً عمل را همراهی می‌کردند. یعنی ساخت و تولید به معنی فیزیکی آن، حیطه چنین استانداردهایی قرار گرفت.

در دوران پس از انقلاب صنعتی یعنی ازحوالی سال‌های ۱۸۸۰ تا پایان جنگ جهانی دوم که انقلاب بهره‌وری در تولید شکل گرفت، دیدگاه افزایش بهره‌وری مورد توجه قرار گرفت. برای دستیابی به این هدف، کار به عنوان یکی از منابع اساسی تولید مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و در نتیجه روش‌هایی به دست آمد که بتواند کار را به صورت استاندارد جلو ببرد. این روش‌های تولید استاندارد، در حقیقت حیطه و دامنه استاندارد را به فرایند نیز گسترش داد. در مرحله بعد و در جوامع پیشرفته نه تنها خود کار بلکه روش‌های انجام کار نیز استاندارد شدند.

به عبارت خلاصه می‌توان گفت که سیر استانداردسازی از محصول شروع شد و به تدریج به ابزار، فرایند و روش‌های انجام کار تسری پیدا کرد. اما به نظر می‌رسد اکنون دوره تسری استانداردها به طبیعت و محیط است و البته این موضوع ناشی از مشکلاتی است که علم و صنعت برای محیط و حیات بشری و طبیعی ایجاد کرده‌اند (یزدان‌پناه ۱۳۸۰: ۱۲۳-۱۲۰). نکته دیگری که امروزه در گستره استاندارد مطرح است، توسعه این مفهوم از صرف حوزه تولید به حوزه مصرف است.

البته از نظر برخی صاحب‌نظران، گستره استاندارد از ابعاد مختلف بسیار توسعه یافته است تا آنجا که گاهی چنین ادعا می‌شود که استانداردسازی یک علم است. علمی با دامنه بسیار وسیع که در معنای عام همه امور زندگی بشر، حتی رفتار و گفتار و پندار او را در بر می‌گیرد. به عنوان مثال چنین بیان می‌شود که وقتی درباره تفکر مثبت سخن می‌گوییم، به نوعی به استاندارد فکر کردن، مبنی بر دیدن جنبه‌های مثبت زندگی اشاره داریم. از سویی دیگر، برخی معتقدند که موضوعاتی نظیر خط، زبان، موسیقی، آداب و... نیز از جمله محصولات فکری هستند که به دست بشر و به منظور برآوردن اهداف خاص طراحی و به تدریج به کارگرفته شده‌اند و مجموعاً

هر شاخه از آن خود به نحوی استاندارد شده است... از نظر این عده، به کار بردن واژه‌هایی مثل سبک، روش، مکتب و شیوه و امثال آن همگی دلالت بر آن دارند که موضوعات فرهنگی به عنوان «تشخّص بشر در عرصه حیات» از نوعی قاعده‌بندی تبعیت می‌کنند، که بی‌شباهت به استاندارد یک شیء نیست. وقتی از تشخّص صحبت به میان می‌آید، منظور مجموعه مشخصات و مختصاتی است که یک چیز خود را به واسطه آنها به عرصه ظهور و بروز می‌رساند و اغلب در این ظهور قصد همگونی با الگو یا مدلی خاص را که برآورنده نیازی معین است، در سردارد. بر پایه این استدلال، برخی نوعی سنتیت و اشتراک ریشه‌ای بین دو اصطلاح استاندارد و فرهنگ را نتیجه‌گیری می‌نمایند. در صورت پذیرش این استدلال، هر یک از این دو ملازم یکدیگر بوده و از نظر محتوایی بسیار به هم نزدیک می‌باشد (گل محمدی ۱۳۸۰: ۱۸۶).

اما در خصوص اهداف استانداردسازی، موارد مختلفی همچون بهره‌وری اقتصادی، حمایت از مصرف کننده، ایجاد انضباط، ایمنی و بهداشت، حفظ محیط زیست و ارتباطات بهتر به عنوان اهداف تدوین استانداردها ذکر می‌شوند (یگانه ۱۳۷۹: ۲۴).

در زمینه مراحل استانداردسازی، دو مرحله اساسی ذکر می‌شود؛ یکی تدوین و تعیین استاندارد و دوم استقرار و اجرای آن. البته به عقیده صاحب‌نظران با تبدیل شدن استاندارد به خواسته و نیاز مشتری و مصرف کننده، استانداردسازی از هزینه‌های هنگفت توسعه و استقرار بی‌نیاز شده و به یک الزام طبیعی برای تولیدکننده تبدیل می‌گردد.

۲- امکان بررسی استاندارد از منظر دینی

امکان و در مرحله بعد چگونگی مطالعه و بحث از موضوعات مستحدثه و مسائل مطرح در حوزه علوم، از منظر دینی از جمله مباحثی است که مورد توجه و مناقشه صاحب‌نظران حوزه علوم اسلامی بوده است. این مباحث به ویژه در سال‌های پس از انقلاب اسلامی ایران که داعیه‌دار حضور موثر دین

۱۸ □ تأملاتی در باب استاندارد از منظر اسلام

در عرصه اداره جامعه است، رونق بیشتری یافت و البته چگونگی آن، همچنان محل بحث اندیشه‌ورزان است.

می‌توان گفت که این مسأله از لحاظ نظری در یکی از مباحث کلام جدید که همان موضوع انتظارات بشر از دین است، ریشه دارد. در واقع برخی از سوالات اصلی این حوزه عبارت است از اینکه؛ آیا شریعت به عرصه علوم نیز گام می‌ندهد؟ آیا دین فقط عهده‌دار نیازهای فردی است یا به نیازهای اجتماعی نیز پاسخ می‌دهد؟ آیا دین در مورد همه مسائل مطرح در همه حوزه‌های علمی صاحب‌نظر است و یا پاره‌ای از مسائل را مورد توجه قرار داده و در خصوص برخی دیگر ساكت است؟ آیا همه امور می‌تواند دینی باشد یا برخی امور هرگز دینی نیستند؟ آیا دین تنها اصول ارزشی را بیان می‌کند یا به اصول علمی نیز می‌پردازد؟ آیا دایره دین نظام‌های اقتصادی، اجتماعی، مدیریتی و ... را در بر می‌گیرد؟

انتظار بشر از دین را از روش‌های مختلفی همچون از راه بررسی ادله ضرورت بعثت انبیا، از راه بررسی فواید دین، از راه انسان‌شناسی و از راه شناخت منابع دین، می‌توان تبیین نمود (جوادی آملی ۱۳۸۶: ۱۲۴-۳۵). از سوی دیگر در خصوص انتظار بشر از دین می‌توان به چهار نحله اصلی اشاره داشت (خسروپناه ۱۳۸۶: ۲۶-۲۵)؛

الف) گروهی که از نگاه آنها دین به تمام نیازهای دنیابی و آخرتی پاسخ می‌گوید و همه مسائل علمی و نظری و نیز عملی را حل می‌کند و دین و متون دینی بدون نیاز به بهره‌گیری از عقل و تجربه به کلیات و جزئیات مسائل دنیابی و آخرتی پاسخ می‌دهد.

ب) دین تمام نیازهای آخرتی و کلیات دنیابی در همه زمینه‌های فردی و اجتماعی را بر می‌آورد که البته نیازهای جزئی و مصدقی از طریق مطالعه کلیات به دست می‌آیند.

ج) قلمرو دین به مسائل عبادی و تنظیم رابطه انسان با خدا محدود است؛ بنابراین دین در عرصه‌های تدبیر رابطه انسان با انسان و انسان با

طبیعت دخالتی ندارد.

د) دخالت دین در عرصه‌های گوناگون نخست حداقلی و دوم بالعرض است یعنی اولاً و بالذات تمام دستورهای دینی و آموزه‌های قرآنی و روایی جهت آبادکردن آخرت ما بیان شده‌اند و اهداف دیگری از جمله سفارش بهداشتی، روانی، تأمین نیازهای اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و مانند اینها را ندارند.

اگرچه پرداختن تفصیلی به ادله دیدگاه‌های فوق الذکر و نقد و بررسی آنها، خارج از مجال و موضوع این نوشتار است اما آنچه به اجمال می‌توان به آن اشاره کرد این است که از منظر نقلی و با توجه به آیات مختلف قرآن کریم مثل آیات ۸۹ سوره نحل^۱، ۳۸ سوره انعام^۲ و ۳ سوره مائدہ^۳ و روایات مطرح شده ذیل این آیات، می‌توان گفت که دین صرفاً به حوزه آخرت نپرداخته است بلکه سعادت دنیوی و حداقل رفع پاره‌ای از نیازهای دنیابی انسان را که به هدایت او و سعادت دنیا و آخرت مربوط است را مورد توجه قرار داده است.^۴

از سوی دیگر آیات و روایاتی که بیانگر اهداف و احکام اقتصادی، سیاسی، تربیتی، هستند و مستقیم یا غیر مستقیم پیوند میان دین و امور اجتماعی را نشان می‌دهند، دلیل دیگری بر اثبات پیوند دین و دنیا و نفسی سکولاریزم است (خسروپناه ۴۵۵:۳۸۶).

از طرفی به صورت استدلالی می‌توان نشان داد که بین عمل انسان در

۱. ... وَتَرَكَّنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ

۲. ... مَا فَرَضْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ...

۳. وَعِنَّا هُنَّ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْضِ وَالْبَرِّ وَمَا سَبَقَ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا

حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ

۴. ... الَّيَوْمَ يَسِّئُ الظَّالِمُونَ كُفَّرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشُوُهُمْ وَالْخَشُونَ الَّيَوْمَ أَكْمَلُتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَّتُ

عَلَيْكُمْ بِعَمَّتِي وَرَمَيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِيَنًا...

۵. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به انتظارات بشر از دین، عبدالحسین خسروپناه، موسسه فرهنگی

دانش و اندیشه معاصر. صفحات ۴۳۵ تا ۴۴۵

۲۰ □ تأملاتی در باب استاندارد از منظر اسلام

زندگی و سعادت ابدی او رابطه برقرار است و چون شؤون زندگی انسان گسترده است، دین هم شؤون مختلف داشته، از برنامه گسترده برخوردار است. انسان چون دارای بعد اعتقادی و اخلاقی و حقوقی و فقهی است و در همه این زمینه‌ها نیازمند به برنامه‌ریزی است، دین نیز باید مشتمل بر همه این ابعاد باشد و نیازهای اعتقادی و اخلاقی و فقهی او را تأمین کند و برنامه‌ریزی‌هایی در ابعاد مختلف زندگی داشته باشد تا انسان با استفاده از آنها به سعادت ابدی برسد (جوادی آملی ۱۳۸۶: ۳۶).

اما از منظر کلامی با توجه به رابطه تکوینی دنیا و آخرت و اینکه ثواب و عقاب آخرتی انسان‌ها، عین یا نتیجه اعمال دنیایی آنهاست، ناگزیر باید پیوند دین و دنیا را نیز پذیرفت؛ زیرا هر عملی در دنیا در سعادت و شقاوت آخرتی انسان اثر می‌گذارد؛ پس اعمال فردی و اجتماعی انسان‌ها در آبادانی و تخریب آخرت موثر است. حال اگر دین به اعمال فردی و اجتماعی - دنیایی انسان‌ها نپردازد، آبادانی انسان و به تبع آبادانی آخرت او را نیز رها ساخته است. از آن رو که دین با آخرت انسان‌ها پیوند دارد، به ناچار با دنیای فردی و اجتماعی آنها نیز ارتباط عمیق می‌یابد (حسروپناه ۱۳۸۶: ۴۵۴).

علاوه بر استدلال‌های نظری و توجه به برخی آیات و روایات، بررسی تاریخ از ورود متولیان امر دین و ائمه هدی به حوزه امور علمی و دنیایی و آن هم از پایگاه دین حکایت دارد که خود شاهدی بر این مدعایست که به صورت کلی دین نسبت به مسائل علمی و عملی انسان در دنیا بی‌تفاوت نیست.

از سوی دیگر با توجه به اینکه همه افعال انسان می‌تواند متناسب به یکی از احکام واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح گردد، از این منظر هم دستاوردهای عملی و دنیایی بشر می‌تواند از منظر دینی مورد مطالعه قرار گیرد. در مجموع می‌توان گفت که چون وحی و نبوت انسان را به سعادت دنیا و آخرت نایل می‌سازد، مؤمن دین‌شناس و دین‌باور، از خدا حسنات دنیا و آخرت را طلب می‌کند و در مقام نیایش می‌گوید: «رَبَّنَا أَتَّنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً

وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةٌ وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ؛^۱ خدایا در دنیا و آخرت به ما حسنات اعطای فرما. حسنات دنیا همان نظام اقتصادی و مالی سالم، نظام سیاسی و اجتماعی صحیح، وجودان کاری و نظم، توسعه در معیشت، امانت، عدالت و مانند آن است و حسنات آخرت، رضوان الهی و راه یافتن به بهشت خواهد بود (جوادی آملی ۱۳۸۶: ۳۷-۳۸).

پس به طور خلاصه می‌توان گفت که اگرچه در این مجال در پی تبیین دیدگاه منتخب در حوزه ورود دین به عرصه دنیا نیستیم، اما با ادله مقدماتی، حداقل ادعایی که می‌توان مطرح کرد این است که برخی جزئیات علمی و امور دنیایی از منظر دینی قابل بررسی و مطالعه است.

از همین حد ادعا برای تبیین فلسفه شکل‌گیری مجموعه مقالات پیش رو بهره‌مند می‌شویم و بر همین اساس موضوع استاندارد از منظر دینی مورد مطالعه و کنکاش تعداد از پژوهشگران حوزه مدیریت اسلامی قرار گرفته است. البته هنوز جای این سؤال باقی است که با چه استدلالی موضوع استاندارد می‌تواند یکی از مصادیق ادعای فوق الذکر باشد. در پاسخ به این سؤال باید گفت که اولاً بر اساس استدلال‌های نظری می‌توان نشان داد که مفهوم استانداردسازی با تمام گستره و ابعاد آن مبنی بر مبانی است که تفاوت در این مبانی از منظر دینی می‌تواند در نتیجه و ماحصل و نظام پایه‌ریزی شده مؤثر باشد و بر همین اساس موضوع دین در شکل‌گیری مبانی موضوع استاندارد قابل بررسی است. ثانیاً شواهد روایی و تاریخ اسلام حاکی از توجه به مسائلی است که ذیل مفهوم امروزی استاندارد قابل بحث است. ثالثاً همان گونه که اشاره شد، هر مسئله‌ای در حوزه رفتار بشر را می‌توان به صورت حداقلی و از لحاظ سازگاری، ناسازگاری و یا سکوت دین در آن موضوع مورد بررسی قرار داد و آن را متنسب به یکی از احکام پنج‌گانه نمود.

مطالعات ارائه شده در این مجموعه خود بهترین شاهد برای تأیید سه

۱. سوره بقره آیه ۲۰۱

دلیل فوق الذکر است و بر همین اساس به همین اجمالی اکتفا می‌گردد.

۳- چارچوب موضوعی مقالات

از موضوعات حائز اهمیت، پس از بحث از امکان مطالعه در یک حوزه، پاسخ به سؤال چگونگی انجام مطالعه و به تعبیری متداول‌تری پژوهش است. در موضوع مورد نظر یعنی بررسی استاندارد از منظر اسلامی، پاسخ به این سؤال در مقاله اول از این مجموعه، با عنوان «چارچوب روش‌شناختی بررسی استاندارد از منظر اسلامی» مورد توجه قرار گرفته است. نویسنده‌گان این مقاله با رویکردی استقرایی به احصاء چارچوب‌های حل مسئله در سنت اندیشمندان اسلامی پرداخته‌اند. برهمین اساس چهار رویکرد عمده در این خصوص و با عنوانی زیر معرفی شده است:

الف) چارچوب متولّ به اختبار و تجربه

ب) چارچوب متولّ به عقل

ج) چارچوب نقلی

د) چارچوب فقهی و اجتهادی

نویسنده‌گان این مقاله، ضمن معرفی ویژگی‌های هر یک از این رویکردها و انواع روش‌های ذیل هر رویکرد، نقاط قوت و محدودیت‌های هر رویکرد را مطرح ساخته‌اند. همچنین ضمن اشاره به اینکه مطالعات حوزه اسلامی می‌تواند بر اساس ترکیبی از رویکردهای فوق الذکر باشد و نسبت بین این رویکردها نیز تباین نیست، تأکید شده است که تفکیک این رویکردها به نوعی حاکی از غلبه یک ابزار یا منبع شناخت است. به اعتقاد نویسنده‌گان، رویکرد فقهی - اجتهادی نسبت به سه رویکرد دیگر به دلیل بهره‌مندی نسبی از ابزارهای معرفتی سه رویکرد دیگر، دارای جامعیت بیشتری است. بر مبنای چهار رویکرد ذکر شده در مقاله اول، نویسنده‌گان سایر مقالات تلاش نموده‌اند تا هر یک بر مبنای یکی از چارچوب‌های چهارگانه موضوع استاندارد را از منظر اسلامی مورد مطالعه قرار دهند. در مقاله دوم نویسنده‌گان با بهره‌مندی توأم از مباحث کلامی و فلسفی و

بر پایه دو مقوله «مراتب ایمان» و «مراتب وجود»، مفهومی جدید را به عنوان استاندارد تکاملی مطرح ساخته‌اند. نویسنده‌گان ضمن تبیین این مفهوم و مقایسه آن با گستره استاندارد در دانش متعارف، گستره استاندارد از منظر اسلامی را بسیار وسیع‌تر از معنای متعارف آن و دارای مفهومی پویا ارزیابی نموده‌اند. در واقع روش مطالعه در این مقاله در قالب چارچوب متولّ به عقل از مجموعه رویکردهای چهارگانه قابل طبقه‌بندی است.

بررسی مفهوم استاندارد از منظر اسلامی و در چارچوب نقلی و با بهره‌مندی از آیات قرآن کریم در مقاله سوم با عنوان «مفهوم پردازی استاندارد، گذاری و حیانی و عقلانی از قهر و قسر به تسخیر در بستر سیر تطور مفهوم» مورد توجه قرار گرفته است. نویسنده‌گان این مقاله با انتخاب کلید واژه «اکل» به بررسی مقولات مرتبط در آیات قرآن کریم پرداخته و ضمن استخراج مفاد آیات مرتبط و دسته‌بندی مقولات، به معرفی تصرف مجاز و غیر مجاز و انواع و نتایج هر یک از این نوع تصرفات پرداخته‌اند و چنین نتیجه‌گیری کرده‌اند که قرآن کریم استاندارد را عمل به مقتضای تسخیر عالم امکان معرفی نموده و تصریفی را بهره‌مند از شاخص‌های استاندارد می‌داند که در راستای همین تسخیر مبارک و نه قهر و قسر سامان یابد.

مقاله چهارم که با رویکرد فقهی موضوع استاندارdra مورد بررسی قرار داده است، در بدؤ امر استاندارد در قالب دو عنصر اساسی «ایجاد نظام و یکسان‌سازی» و «برخورداری از حداقل کیفیت» تعریف نموده و اجزاء هر یک از این دو عنصر را معرفی نموده است. در مرحله بعد محقق محترم ضمن بررسی هر جزء در منابع اولی اسلام و فرهنگ اسلامی، به برخی از مهم‌ترین شواهد فقهی مرتبط در هر مورد و با استناد به کتب فقهی اشاره داشته است. ذکر مصادیق احکام در حوزه مقادیر و اندازه‌ها و واحدهای سنجش، کیفیت محصولات، ایمنی، بهداشت و حفظ محیط زیست از جمله مباحث مورد اشاره در این مقاله است.

از آنجا که یکی از رویکردهای حل مسأله، توصل به اختبار و تجربه ذکر

۲۴ □ تأملاتی در باب استاندارد از منظر اسلام

گردید، در مقاله چهارم با عنوان «استانداردسازی گامی در جهت تحقق عدالت اجتماعی» این رویکرد اتخاذ شده است. در این مقاله ضمن تکیه بر مفهوم عدالت به عنوان مبنای نظری مناسب برای توجیه استاندارد، اصل امر به معروف و نهی از منکر به عنوان ضامن استقرار استاندارد معرفی شده است. بر همین اساس نویسنده محترم در هر دو محور به ذکر برخی از تجارب عینی و عملی مسلمانان پرداخته است. این تجارب در دو قالب سیره ائمه مucchomien علیهم السلام و تجارب جوامع اسلامی پس از صدر اسلام ارائه شده است.

در مجموع می‌توان گفت که بررسی استاندارد از منظر اسلام و با مدخل‌های مختلف توسط نویسنده‌گان محترم در این مجموعه، فارغ از نتایج ارزشمند به دست آمده، بیانگر حوزه گسترده و قابل استمرار مطالعه استاندارد در چارچوب نظام معرفتی و آموزه‌های اسلامی است.

۴- ملاحظاتی چند

- یکی از چالش‌های رایج در عرصه مطالعات بین رشته‌ای اسلامی، توقف در سطح مبانی و نپرداختن به مسائل عینی و کاربردی است. البته شکی نیست که عدم توجه به تفاوت‌های مبنایی و فکری در انجام این پژوهش‌ها می‌تواند منشأ انحرافات و برداشت‌های التقاطی باشد. اما از سوی دیگر انتظار به حق جامعه علمی به ویژه بعد از گذشت بیش از سه دهه از انقلاب شکوهمند اسلامی، ارائه و تولید نظریه‌های کارآمد و ناظر به عمل، بر اساس مبانی اندیشه اسلامی است. بر همین اساس هدف و تلاش اصلی در این مجموعه، ارائه الگویی اولیه در زمینه مطالعه مسائل علمی و عینی از منظر اسلامی بوده است.

- در راستای هدف فوق الذکر، ضمن جلسات متعدد با صاحب‌نظران، تلاش گردید در انتخاب موضوعات و نویسنده‌گان مقالات حداکثر دقت نظر به کار گرفته شود. نویسنده‌گان محترم مقالات علاوه بر برخورداری از سابقه مطالعات اسلامی، عمدتاً دارای سوابق آموزشی و پژوهشی قابل ملاحظه در

حوزه مطالعات میان رشته‌ای اسلامی و به ویژه مدیریت اسلامی می‌باشدند. موضوعات انتخابی نیز که ماحصل تبادل نظر با نویسنده‌گان محترم و برخی پژوهشگران این حوزه است، ضمن برخورداری از تنوع رویکرد و نوآوری خاص خود در نگاه به موضوع استاندارد، هر یک عهده‌دار تکمیل بخشی از منظومه‌ای یکپارچه بوده‌اند.

- با توجه به حساسیت‌ها و دشواری‌ها و مناقشات مطرح در حوزه انجام مطالعات میان رشته‌ای اسلامی، جسارت علمی، دغدغه ارزشی و تلاش عالمانه نویسنده‌گان محترم مقالات شایسته قدردانی است و به پیشوانه چنین انگیزه‌ها و تلاش‌های مقدس، افق روشنی از شکوفایی مطالعات ارزشمند علوم اسلامی قابل تصور است انشاء الله.

- با توجه به موضوع اصلی مقالات که بررسی استاندارد از منظر اسلامی بوده است، لذا به حوزه ادبیات موضوع استاندارد در دانش موجود، به قدر نیاز و به صورت حداقلی پرداخته شده است.

- لازم به ذکر است ضمن احترام به جایگاه علمی نویسنده‌گان، مسئولیت نظرات و برداشت‌های منعکس شده در مقالات به ویژه در زمینه آموزه‌های اسلامی بر عهده نویسنده‌گان محترم است و همانگونه که اشاره شد ارائه الگویی کلی در جهت مطالعات اسلامی کاربردی مورد توجه بوده و قضاوت در خصوص میزان صحت جزئیات نتایج و برداشت‌ها بر عهده خوانندگان محترم خواهد بود.

- علی‌رغم قابل تقدیر و نو بودن قابل تحسین دستاوردهای این مطالعات، این مجموعه به هیچ وجه مدعی تبیین کامل و جامع همه ابعاد و زوایای موضوع مورد نظر نیست و تلاش خود را به عنوان گامی اولیه در طی مسیر طولانی اما پرثمر تولید علوم اسلامی می‌داند.

- نویسنده‌گان و دست‌اندرکاران این مجموعه، نقد موشکافانه و عالمانه در تولید علوم اسلامی را ضرورتی اساسی در شکوفایی، رونق و اصلاح حرکت در این مسیر می‌دانند و بر همین اساس مشتاقانه منتظر و

۲۶ □ تأملاتی در باب استاندارد از منظر اسلام

پذیرای نقد و نظر علماء، اساتید، دانشجویان و همه صاحبان فکر در این حوزه هستند.

- در خاتمه ضمن ادای احترام به همه جهادگران عرصه علمی و تشکر ویژه از نویسنده‌گان محترم این مجموعه که علی‌رغم تلاش عالمانه خود، با سعه صدر پذیرای پیشنهادهای ویراستار مجموعه بوده‌اند، جا دارد مراتب قدردانی خود را از مجموعه مرکز تحقیقات میان رشته‌ای علوم انسانی و اسلامی دانشگاه امام صادق علی‌الله‌اش و به ویژه برادر ارجمند آقای دکتر وحید یاوری که در مراحل مختلف با پیگیری، صبر و دقت نظر زمینه تولید این اثر را فراهم ساختند، اعلام نماییم. امید است این حرکت به عنوان گامی هر چند کوچک در مسیر استقرار نظام متعالی اسلامی، مورد قبول حضرت حق و امام عصر علی‌الله‌اش قرار گیرد و فضل الهی جبران‌کننده کاستی‌های آن باشد انشاء الله.

ربنا تقبل منا انک انت السميع العليم و تب علينا انک

انت التواب الرحيم

روح الله رازيني

دانشگاه امام صادق علی‌الله‌اش- بهمن ماه ۱۳۹۱

منابع:

- قرآن کریم
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶) انتظار بشر از دین. قم: مرکز نشر اسراء.
- چینی، حبیب (۱۳۸۰) «تحلیلی بر کاربرد استانداردها»، مجموعه مقالات نخستین کنفرانس توسعه و ترویج استاندارد. صص ۲۱-۴۰.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۶) انتظارات بشر از دین. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- کهنسال، سعید (۱۳۸۰) «استاندارد سازی (شناخت - روش‌های اجرا و تأثیرات آن)»، مجموعه مقالات نخستین کنفرانس توسعه و ترویج استاندارد. صص ۱۲۹-۱۳۶.
- گل محمدی، محمد (۱۳۸۰) «ارتباط متقابل استاندارد و فرهنگ»، مجموعه مقالات نخستین کنفرانس توسعه و ترویج استاندارد. صص ۱۸۵-۱۹۰.
- بیزادانپناه، مهشید (۱۳۸۰) «آینده در گرو استاندارد»، مجموعه مقالات نخستین کنفرانس توسعه و ترویج استاندارد. صص ۱۲۷-۱۱۹.
- یگانه، مهرداد (۱۳۷۹) استاندارد و استاندارد کردن. تهران: مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران.



چارچوب روش‌شناختی بررسی استاندارد از منظر اسلامی

دکتر میثم لطیفی^۱

محمد علم خواه^۲

مقدمه

الگوهای ذهنی، روشی و زبانی، در فهم پدیده‌ها، نظریه‌پردازی و اقدام، نقش مؤثری دارند. جالب این است که هر صنفی از اندیشمندان و یا به عبارت جسوارانه‌تر هر اندیشمندی، الگوی خاصی برای مواجهه با مسئله دارد. اندیشمندان مسلمان نیز از دیرباز الگوهایی برای مواجهه با مسائل داشته‌اند. در دوره پیامبر اکرم مسائل عمده‌تاً با پرسش از ایشان به سرانجام می‌رسیده است ولی پس از رحلت نبی اکرم، به دلیل فاصله‌گرفتن از دستور ایشان در مسئله‌ی مهم امامت و پرداختن به قرآن کریم بدون توجه به نظر راسخون در علم که همانا امامان عظیم الشان هستند کم کم نحله‌های فکری گوناگون در تمدن اسلامی به وجود آمد، رشد کرد و گاه از سرستیز با نحله‌های رقیب درآمد. قراء، اصحاب حدیث، عقل‌گرایان و اهل قیاس، دهربیون و نظرایران ایشان که در قرون اولیه آرام و خزنده در حال حرکت بودند- البته گاه همین نحله‌ها از حمایت‌های سیاسی و مالی دستگاه حاکم نیز برخوردار بودند- در

۱. عضو هیأت علمی دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق ع

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و مدیریت صنعتی دانشگاه امام صادق ع

دوره‌های بعد دچار دگردیسی در مبادی، مبانی، روش و هدف و فربگی در محتوا و ادعا شدند.

این تمایزات موجب رشد تک‌ساحتی و غیر همه‌جانبه‌ی علم در یک حوزه از معارف می‌شد. موتور محرک دستورات فراوان اسلام بر تعقل و تفکر و کسب علم – که در آن زمان بدون رهبری جامع‌نگر رها شده بود – به مرور این بخشی شدن را تسريع کرد. به تدریج تأکید بر یک حوزه‌ی علمی و نفی دیگر حوزه‌های علم، باعث بروز نزاع و درگیری بین پیروان تبارهای گوناگون علمی شد. اهل فتوی، علم را فقه می‌دانستند، اهل بحث، کلام را علم می‌دانستند، اهل اندیشه‌ورزی، فلسفه را علم می‌دانستند و هر یک دیگری را با ابزار خود از میدان خارج می‌کرد. یکی دیگری را تکفیر می‌کرد، دیگری بقیه را بی‌دین و دیگری، غیر خود را نادان می‌دانست. البته در این میان جریان‌هایی هم بودند که با نگاه جامع‌نگرانه، هر یک از حوزه‌های علمی را در جایگاه خود به رسمیت شناخته و بر تحصیل و تدریس چندجانبه تأکید داشتند که به دلیل سهل‌الوصول نبودن مسیر ترسیم شده توسط ایشان و حضور قدرت‌های پیش‌گفته، نتوانستند آن چنان که باید و شاید باقی مانده و عرض اندام نمایند. تعبیر حکیم در قرون چهارم و پنجم بر افرادی که از ماوراء الطبیعه و مابعد‌الطبیعه شروع می‌کردند و در طبیعتات به حکمت نظری و عملی می‌پرداختند دلالتی بر این جریان داشت.

در هر صورت، در قرون بعد (خصوصاً از قرن ده هجری به بعد) هر یک از اصناف علم به تدریج مستقل‌تر، مدون‌تر و عمیق‌تر شدند و به تبع آن، در حل مسائل جدید، دستگاه اندیشه خاص خود را به کار انداختند. اما مشکل دیگری در فضای اجتماعی و سیاسی جهان اسلام رخ داد. حاکمان ممالک اسلامی کم کم رغبت خود به عالمان اسلامی و بومی را کاستند و عملان آنها را به حاشیه راندند. چنین شرایطی موجب شد که استعداد و توانمندی نظام‌های علمی درون‌زای جهان اسلام به مرور به فراموشی سپرده شده و قهرآ تضعیف شود. غفلت اندیشه‌ورزان و فروکاسته‌شدن موضوعات

مراکز علمی به فقه حداقلی، بی‌پاسخ ماندن بسیاری از نیازهای واقعی جامعه، حضور سیل آسای پاسخ‌های بی‌رقیب برآمده و وارداتی از غرب و برخی شیطنت‌ها و سنگاندازی‌های بیرونی و درونی علیه سنت‌های جوامع علمی ریشه‌دار جهان اسلام، منجر به مصیبت انفعال و عقب‌ماندگی علمی شد.

اما در دهه‌های اخیر که تحولات اجتماعی و سیاسی جدیدی در فضای جهان اسلام و ایران اتفاق افتاد مجدداً اقبال به دین و علوم برآمده از دین افزایش یافت. در این دوره است که کم‌کم حوزه‌های علم دینی مجدداً خود را در مقابل مسائل جاری جوامع اسلامی و حتی بشریت مسئول دانسته و تلاش نمودند با احیای میراث گرانبهای گذشته و بهره‌مندی از عقلانیت متراکم بشری - که البته گاه مشوب به رگه‌های ناخالص غربی هم بوده است - به حل مسائل بپردازند.

البته در این مرحله مهم خروج از انجمام، یک مسئله‌ی مهم و بنیانی بروز می‌کند؛ همان مسئله‌ای که به نظر نویسنده‌گان این مقاله، موجب بروز عصر یخ‌بندان تولید علم دینی شده بود، یعنی اینکه «چه الگوی حل مسئله‌ای برآمده از دین و قریب به حقیقت است؟»

اگرچه پاسخ به این سؤال و یا حتی طرح این سؤال در نظر برخی زود به نظر آید، اما تذکر به آن بسیار مهم و ضروری است. زیرا چنانچه تولیدات هر یک از الگوهای تولید علم دینی به مرور فربه شوند و خصوصاً بعد از آنکه در برخی عرصه‌های به یافته‌های متعارض و یا به ظاهر متناقض دست یابند بایستی منتظر بود که یکدیگر را تحقیر نموده و یا حتی از در تکفیر برآیند و باز همان اتفاقاتی خواهد افتاد که در خلال و پس از عصر شکوفایی تمدن اسلامی در قرون اولیه ظهور اسلام به وجود آمد.

ما برای پاسخ به این سؤال مهم تلاش می‌کنیم از دو راهبرد استفاده نماییم. اول اینکه بر اساس مباحث معرفت‌شناختی، منابع و ابزار شناخت مورد تأیید در اسلام را بازگو نماییم و درگام بعدی دلالت‌های علمی آن را در آینه آثار پژوهشی صورت گرفته متأخر برای پاسخ به مسائل جدید بر

اساس ابزارهای شناخت اسلامی بررسی نماییم. البته برای آنکه مسأله اصلی در قالبی مصداقی و ناظر به عمل بررسی شده باشد، موضوع استاندارد که یک مسأله ظاهراً مستحدثه و جدید است را به عنوان مسأله پژوهش در مرکز قرار داده و مباحث روش شناختی را حول آن بررسی نموده‌ایم. در هر صورت به نظر می‌رسد مسأله استاندارد از حیث مفهوم کلی، مسأله جدیدی نیست و گزاره‌های تاریخی بر وقوع آن در قامتی متفاوت دلالت دارند. بررسی پیش رو تلاش می‌کند به نحوی رگه‌هایی از مبحث کلی استاندارد را در ادبیات دینی بازنمایی کند.

روش پژوهش توصیفی و تحلیلی خواهد بود؛ توصیف منابع و ابزار شناخت و تحلیل برخی پژوهش‌های متمرکز بر مسأله جدید استاندارد با رویکرد اسلامی.

در بخش اول مقاله، پس از اشاره‌ای به نکته مهم تقدم فهم مسأله بر روش حل مسأله به مفهوم استاندارد، تعریف آن، تاریخچه و فلسفه آن، گام‌های استقرار استاندارد و محدودیت‌ها و معایب استقرار استاندارد اشاره خواهد شد. در بخش دوم مقاله، دلالت‌های هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی اسلامی بر حل مسائل مورد مدافعت قرار خواهد گرفت. در بخش بعدی، الگوهای رایج حل مسأله در سنت اندیشمندان اسلامی به بحث گذاشته خواهد شد. در این بخش تلاش شده، رفت و برگشتی بین الگوی حل مسأله و مسأله مقاله که همانا استاندارد است صورت گیرد.

۱. ادبیات موضوع استاندارد

۱-۱. تقدم فهم مسأله بر روش حل مسأله

در مواجهه با مسائل نوظهور، برخورداری از روش مطلوب حل مسأله، لزوماً نمی‌تواند نتایج ارزشمندی را در پی داشته باشد بلکه قبل از آن، فهم مسأله از اهمیت بیشتری برخوردار است. به عبارت دقیق‌تر اگر مسأله به خوبی تبیین شود، تا حدودی خود نشان‌دهنده روش حل آن و حتی گاه پاسخ به

آن مسأله است. از این رو، در گام نخست بایستی مسأله را به خوبی فهم نمود. همان‌گونه که یک پزشک در مواجهه با بیمار تلاش می‌کند شکوه و علائم بالینی بیمار را به خوبی بشنود و ببیند، ما نیز در مواجهه با مسائل بایستی فهم دقیق و جامعی از آن را به دست آوریم. پر واضح است که پس از آن که پزشک به یک جمع‌بندی درباره بیماری رسید، در مرحله بعد تنها دانش قبلی خود را برای انطباق دارو و میزان آن با مشخصات بیمار بایستی به کار بندد.

در مسائل جدید نیز گام نخست، فهم مسأله به نحو جامع است، زیرا پس از حصول فهم مشترک از مسأله، احتمال اختلاف در حکم برای پیروان یک مکتب فکری بعيد به نظر می‌رسد. برای شناخت مسأله اولین گام، شناخت آن از طریق به وجود آورندگان آن است. برای مثال وقتی می‌خواهیم درباره استاندارد پژوهش کنیم اولین گام، شناخت استاندارد از طریق واضعن آن است. مجموعه سؤالاتی که می‌توانند در شناخت مسأله به ما کمک کنند عبارتند از:

مفهوم لغتی استاندارد چیست؟

آیا تلقی‌های متعددی از مفهوم استاندارد وجود دارد؟

زمینه‌های تاریخی به وجود آورنده استاندارد چه بودند؟

فلسفه استاندارد و استاندارد کردن چیست؟

مبانی و اصول استاندارد کردن چیست؟

استاندارد با چه هدفی بوجود آمد؟

گام‌های استقرار استاندارد کدامند؟

پاسخ به این سؤالات با توجه به ادبیات کنونی استاندارد امکان می‌یابد. این مرحله مهم و اساسی را می‌توان «مرحله شناخت مسأله آن‌گونه که هست» نامید. البته نکته بسیار مهم در این نحوه شناخت اینکه تجربه نشان داده است گاهی متقدان قبلى تا حد زیادی توانسته‌اند اولاً به خوبی مسأله را فهم کنند و ثانیاً نقدهای دقیقی بر آن نظر و ایده وارد کنند. لذاست که

۳۴ □ تأملاتی در باب استاندارد از منظر اسلام

توصیه می‌شود ضمن تلاش برای فهم نظریه به روش متعارف و بر اساس گفته‌های خود و اضعان نظریه، آن را از نگاه متقدان نیز مورد توجه و بررسی قرار داد.

۲-۱. مفهوم و تعریف استاندارد

مفهوم لغوی استاندارد، نمونه، قاعده، اصل، مقیاس تصویب شده و هر چیزی است که به عنوان مبنایی برای مقایسه پذیرفته شود (فرهنگ عمد ۱۳۳۷). با توجه به مفاهیم مذکور، مطابقت کالا، خدمات، آینه کار، سیستم کیفیت یا هر امری با استاندارد، بدین معنی است که در آن موارد قواعد، اصول و مقررات ویژه‌ای رعایت شده است.

استاندارد کردن به مفهوم قانونمند شدن و مطابقت با اصول و ضوابط علمی و فنی در امور مختلف مانند تولید، تجارت، حمل و نقل، ارتباطات و ... مصدق می‌یابد. بنابراین، کالا یا فراورده استاندارد عبارت است از: کالایی که دارای ویژگی‌های مطلوب از جهت شکل، جنس، نوع، اجزاء تشکیل‌دهنده، وزن، ابعاد، عیار، بسته‌بندی، کیفیت، ایمنی، دوام و ... باشد (متقمعی ۱۳۷۶: ۳۱).

در تاریخ ۱۴ اکتبر ۱۹۴۶ میلادی برابر با ۲۲ مهر ۱۳۲۵ هجری شمسی در لندن، اجتماعی تشکیل شد که از دل آن و پس از مذاکره‌ای طولانی، سازمان بین‌المللی استاندارد با حروف اختصاری ISO^۱ به وجود آمد.

این سازمان که هم‌اکنون مقر آن در ژنو سوییس است، مهم‌ترین سازمان جهانی برای تهیه کلیه استانداردهای رشته‌های مختلف به استثنای دو رشته برق و الکترونیک و مواد دارویی می‌باشد.

بر اساس تعریف این سازمان، الف) استاندارد مدرکی است در برگیرنده قواعد، راهنمایی‌ها یا ویژگی‌هایی برای فعالیت‌ها یا نتایج آنها به منظور استفاده عمومی و مکرر که از طریق همایی فراهم و به وسیله سازمان

1. International standards organization

شناخته شده‌ای تصویب شده باشد و هدف از آن دستیابی به میزان مطلوبی از نظم در یک زمینه خاص است.

یادآوری: استاندارد باید مبتنی بر نتایج استوار علوم، فنون، تجربیات و در راه ارتقاء منافع مطلوب جامعه باشد.

ب) استاندارد کردن عمل ایجاد مقرراتی است که برای استفاده عمومی و مکرر با توجه به مشکلات بالفعل و بالقوه، که هدف از آن دستیابی به میزان مطلوبی از نظم در یک زمینه خاص است.

یادآوری: این فعالیت به خصوص شامل تدوین، نشر و اجرای استاندارد است (یگانه ۱۳۷۹: ۱۳).

۱-۳. تاریخچه استاندارد

استاندارد کردن پدیده جدیدی نیست و از دیر زمان در زندگی بشر وجود داشته است. استاندارد نیز مانند بسیاری از پدیده‌های طبیعی، شناخت و برداشتی است که انسان از محیط پیرامون خود دارد. این امر در ابتدا به صورت ناخودآگاه تحقق یافته است. برای مثال تاریخ پیدایش سیستم شمارش ددهی که هم اکنون نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد به گذشته بسیار دور باز می‌گردد و در واقع الگویی است از تعداد انگشتان دو دست انسان، همین گونه استاندارد کردن تقویم و تعداد روزهای ماه در سال رومی که توسط ژولیوس سزار در ۶۴ سال قبل از میلاد مسیح انجام شده است.

در یک بررسی اجمالی، مشخص خواهد شد که استانداردهای عمدۀ در عهد قدیم و قرون گذشته به طور کلی قبل از رنسانس که جنبه عمومی داشته و نیاز به آن بیشتر از موارد دیگر احساس شده است، استانداردهای مکیال، اوزان و مقیاس‌ها می‌باشد. اما پس از عصر رنسانس با توجه به تحول بنیادی در طرز تفکر اجتماعی و رشد اختراعات و تولیدات صنعتی (انقلاب صنعتی) استانداردهای صنعتی نیز به وجود آمد. همگام با گسترش تولیدات صنعتی و انبوه‌سازی رعایت نکات ایمنی نیز مطرح گردید، به ویژه پس از